



محمد حسین نظری

روزنامه‌نگار

ساعت ۱۱ صبح روز سیزدهم آبان ۱۳۵۷ گروهی نزدیک به ۴۰۰ نفر در حالی که خیابان طالقانی را طی می‌کنند به سوی سفارت آمریکا می‌روند. هنگامی که مقابل آن می‌رسند در یک لحظه از در و دیوار سفارت بالا می‌روند و به درون محوطه سفارت می‌پرند. مردم حاج و واج به این صحنه نگاه می‌کنند و همه از خود می‌پرسند که چه شده است؟ خیابان بندی می‌آید و نفس‌هائیز، جوان‌های تندوتیز یکی پس از دیگری از گوشه و کنار سفارت به داخل می‌روند. حال‌ها هر کدامشان بازوبندی به دست و عکسی از امام بر سینه دارند. مدتی نمی‌گذرد در حالی که باران رحمت الهی از آسمان تهران شروع به بارش کرده خبر در همه شهر می‌پیچد: «سفارت آمریکا اشغال شد!»

گروهی از دانشجویان مسلمان به سفارت آمریکا حمله کردند و آنجا را به تصرف خود در آوردند. یعنی دقیقاً یک سال پس از کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان در دانشگاه تهران به وسیله رژیم آمریکایی شاه، سفارتخانه آمریکا این مرکز حکومت این کشور بر ایران به دست دانشجویان یا در واقع به دست ملت ایران افتاد. این دومین حمله به سفارت آمریکا بود، زیرا قبلاً از آن در بهمن ماه و پس از پیروزی انقلاب عده‌ای به سفارت آمریکا در تهران حمله کردند که به سرانجام نرسید.

اما این حمله که حمله دوم به سفارت بود و توسط عده‌ای دیگر انجام گرفت موفقیت‌آمیز بود و سفارت به اشغال دانشجویان در آمد و اولین اطلاعیه رسمی آنها با نام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ساعت یک بعد از ظهر از رادیو پخش شد. آنها در اولین اطلاعیه خود سفارت آمریکا را «لانه جاسوسی» خواندند و اعلام کردند که از موضع قاطعانه امام در مقابل آمریکای جهانخواه به‌منظور اعتراض به دسیسه‌های امپریالیستی و صهیونیستی، لانه جاسوسی آمریکا در تهران را به تصرف در آورده‌اند تا اعتراض خویش را به گوش جهانیان برسانند.

پس از پخش این اطلاعیه مردم از جریان حمله به سفارت آمریکا باخبر شدند و فوراً برای پشتیبانی از اقدام دانشجویان به‌مقابل سفارت آمریکا آمدند و در حالی که شعار می‌دادند «نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا» این عمل را تأیید کردند و احزاب و سازمان‌ها نیز با انتشار اطلاعیه‌های متعدد پشتیبانی خود را اعلام کردند. در اطلاعیه «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» که همان روز منتشر شد مشخص شد که مزدوران آمریکایی داخل سفارت که ۱۰۰ نفر بودند گروگان گرفته‌شده‌اند و سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها به‌عنوان پدر معنوی دانشجویان پیرو خط امام نیز به جمع دانشجویان پیوسته و پس از آن برای تجمع کنندگان جلوی سفارت به سخنرانی پرداخته‌است. دانشجویان

مسلمان پیرو خط امام در مدت طولانی تحصن خود در سفارت آمریکا با صدور اطلاعیه‌های افشاگرانه گزارش‌هایی از داخل سفارت و عملکرد جاسوسان می‌دادند. آنها بعد از اینکه به اسناد طبقه‌بندی‌شده موجود در سفارت آمریکا دست یافتند، در قالب اطلاعیه‌ها اقدام به افشای برخی از این اسناد کردند. آنها چندین سند را درباره ارتباط بعضی از مقامات ایرانی با دولت آمریکا منتشر کردند که بر اساس آن تعدادی از اعضای کابینه دولت موقت در مظان اتهام قرار گرفتند؛ از جمله انتشار اسنادی در مورد حاج روفعی، درخشش، امیرانتظام و دیگران که شخص عباس امیرانتظام که در آن زمان معاون نخست‌وزیر بود بعد از افشای سند ارتباطش با مقامات آمریکایی دستگیر و روانه زندان شد. از دیگر افشاگرایی‌های پسروصدای دانشجویان پیرو خط امام انتشار مطالبی در مورد نهضت آزادی بود. آنها طی برنامه‌ای رادیویی ادعا کردند که نهضت آزادی متقابل به ایالات متحده است و در آینده مسیر انقلاب را به انحراف می‌کشاند که این اظهارات به‌شدت مورد انتقاد اعضای این نهضت قرار می‌گیرد. به‌طور کلی آنچه در نحوه افشای اسناد قطعی است نقش کلیدی موسوی خوئینی‌هاست که ظاهراً اسناد با اجازه او و به صورت جهت‌دار منتشر می‌شد. حتی برخی از این اسناد از لانه خارج شده و سال‌ها بعد در منزل شخصی یکی از افراد اصلی دانشجویان پیرو خط امام و نزدیک‌ترین افراد با موسوی خوئینی‌ها کشف شد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد خبر ۱۸۷۱۲). یکی از ابهامات انتشار اسناد مربوط به افشاگری موسوی خوئینی‌ها درباره بنی صدر در جلسه عزل او است. اسناد مربوط به ارتباط بنی صدر از

اولین اسنادی بود که در لانه کشف شد و سالم به دست دانشجویان افتاد. اما با توجه به اینکه مدت کوتاهی بعد از کشف این اسناد موسوی خوئینی‌ها به‌عنوان نماینده امام خمینی در بررسی صلاحیت کاندیداها معرفی و بنی‌صدر نیز کاندیدی اولین دوره ریاست جمهوری می‌شود، این ابهام وجود دارد که چرا او بدون هیچ‌واکنشی از طرف موسوی خوئینی‌ها تأیید صلاحیت و پس از آن به‌عنوان رئیس جمهور برگزیده می‌شود؟ از آنجا که صحبت‌های موسوی خوئینی‌ها در جریان بررسی کفایت سیاسی بنی صدر یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین افشاگری‌های مبتنی بر اسناد لانه جاسوسی است، در ادامه به بازخوانی فرازهایی از نطق سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها در مجلس شورای اسلامی در روز ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ می‌پردازیم.

## موسوی خوئینی‌ها: رای شما، رای به شکست خط آمریکایی در ایران است

بسم الله الرحمن الرحیم. در ارتباط با مساله عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر مطالبی بود که باید به عرض می‌رساندم و همچنین اسنادی از لانه جاسوسی هست در ارتباط با آقای بنی صدر که اینها را باید می‌گفتم و از این وقت قبل از دست‌خور جناب آقای آقاشانی که از ایشان تشکر می‌کنم استفاده می‌پردازیم.

آن چیزی که وجدان عمومی جامعه و نیز مجلس شورای اسلامی و اینجانب را به بحث پیرامون عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر واداشته است، اختلافات ایشان با بعضی از شخصیت‌ها یا سازمان‌ها و احزاب سیاسی نیست. هر چند آقای بنی صدر هویتش را به بعضی از شخصیت‌ها برای سروپوش گذاشتن بر سر مساله اصلی در پی چنین فریب سخت‌تلاش کرده است و متأسفانه حتی مخالفان طرح عدم کفایت سیاسی نیز گرفتار این فریب شده‌اند.

دلیل اینجانب برای اثبات عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر فقدان تقوای سیاسی ایشان و حتی وجود خصالت‌های شیطانی از قبیل روحیه استکباری، خودخواهی، خودمحوری و میل به شخصت‌باشی‌ها، ایشان نیست، هر چند وجود این همه ضعف در یک فرد به‌عنوان رئیس جمهور زمینه‌ساز عدم توانایی وی در اداره امور کشور است که رهبری آن‌سخت به‌خصائل انسانی و صفات ملکوتی الهی در وجود انسان و کل جامعه تأکید می‌کند و ملت نیز میل شدید به گریز از ارزش‌های شاهنشاهی دارند. و نیز دلیل اینجانب بر اثبات عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر مخالفت شدید وی با نهادهای اصیل انقلاب و روح حاکم بر آن است و این بیگانگی با نااهمانگی مانعی بزرگ برای توانایی اداره کشوری انقلابی است.

و باز هم دلیل بر عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر مخالفت مستمر ایشان با مجلس شورای اسلامی از بدو تأسیس و حتی پیش از افتتاح مجلس نیست... اما مطلب اینها نیست؛ نمایندگان محترم، ملت ایران، مصیبت بزرگ‌تر از اینهاست، هیچ‌یک از اینها مصیبت اصلی نیست که اینها همه میوه‌های تلخ شجره خبیثه‌ای است که باید نمایندگان محترم و مهم‌تر ملت ایران به آن توجه اکید کنند. ملت ایران، اینجا بحث از یک فرد نیست اگر مساله یک فرد نبود این همه جنجال نداشت، اینجا بحث از یک جریان است، جریان آمریکایی ضداسلامی. امروز در اینجا تنها بحث عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر نیست بحث عدم صلاحیت حاکمیت خط آمریکا بر کشور جمهوری اسلامی ایران است، زیرا که دشمن اصلی و شماره یک این انقلاب است. نمایندگان

# سیاست



باز خوانی نطق موسوی خوئینی‌ها در جلسه بررسی کفایت بنی صدر

## بنی صدر تصمیم کارتر برای بازگرداندن شاه را عوض کرد

محترم به شکست جریان آمریکایی ضداسلامی در اینجا رای می‌دهند نه فقط به عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر. اینها [که در دست من است] اسناد رشته‌شده‌ای است که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با هزار خون دل فراهم کردند. آقایان مخالفان محترم، چرا خود را فریب می‌دهید یا چرا از خود بی‌درایتی نشان می‌دهید؟ مردم به شما رای داده‌اند و به شما امید بسته‌اند، ملت انتظار داشت شما خط آمریکا را بشناسید و به مردم معرفی کنید و با آن به مبارزه برخیزید. آقایان مخالفان، آیا این انصاف است که شما اختلاف خط آمریکا ضداسلام را با خط اصیل انقلاب اسلامی یعنی خط امام به نزار بین دو جناح سیاسی داخلی تفسیر کنید؟ نمایندگان محترم مخالف، شما سخنان امام را شنیدید و به درد دل امام دل ندادید، ملت ایران درد این دل نورانی را شنیدید و به آن پاسخ مثبت داد ولی شما هنوز نشنیده‌اید، نشنیدید امام گفتند که من بیش از یک سال صبر کردم ولی احساس خطر برای جمهوری اسلامی ایران کردم و آیا ندیدید که امام به دنبال این احساس خطر آقای بنی صدر را از فرماندهی کل قوا برکنار کرد؟ آیا باز هم می‌گویید اختلاف بین دو جناح سیاسی است؟ آقایان مخالفان، ما با این گونه برخورد‌های شما با مسائل اصلی و اساسی آخرین امید خود به شما را از دست می‌دهیم چرا از خود رشد سیاسی نشان نمی‌دهید...؟

بنده یک جمله برای شروع این بحث از امام نقل می‌کنم درست دقت کنید تمام سخن من این است که بحث شخص آقای بنی صدر نیست، بحث جریان خط آمریکاست و بس، دقت کنید آقای بنی صدر پس از دریافت تفهیم حکم ریاست جمهوری از امام در اولین ملاقاتی که با ایشان در بیمارستان دارند امام حال‌شان بسیار بد بود، من مطلع بودم و اگر شما هم یادتان باشد اولین ملاقاتی بود که در بیمارستان به مدت ۲۵ دقیقه رسانه‌ها روی آن تأکید داشتند که آقای بنی صدر با امام به مدت ۲۵ دقیقه یا شاید ۳۰ دقیقه ملاقات کردند، یعنی امام حال ملاقات نداشتند. امام دو نصیحت به‌وی کرده‌اند که من یکی از آن دو نصیحت را اینجا نقل می‌کنم، چون در ارتباط با بحث عدم نصیحت دیگر برای زمانی دیگر. امام به آقای بنی صدر می‌فرمایند توجه داشته باش که ملت ایران سخت ضد آمریکا هستند، قلوب ملت ایران (با عیارتی که من دارم بیان می‌کنم چون محتوی نقل شده، خودم در آن جلسه نبودم) قلوب ملت ایران پر است از خشم مقدس علیه آمریکا، نکنند کاری بکنی که ملت احساس کند تمایل به آمریکا پیدا کرده‌ای و الا علیه تو قیام کرده و سرنگون می‌کنند.

این نصیحت امام در آغاز ریاست جمهوری آقای بنی صدر در گوش داشته باشید تا برسیم به بقیه مطالب. آقای بنی صدر به ۱۱ میلیون رای تأکید می‌کند ولی آیا اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مورد تأیید سراسر کشور و اکثریت قاطع ملت ایران جز وابستگی به آمریکا قرار نگرفت؟ آیا اسام این اقدام انقلابی را انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول خوانند و آیا امام نگفتند که تمام ملت این اقدام را تأیید کرد جز آنها که آمریکایی بودند. شما نمایندگان محترم و شما ملت ایران این حماسه بزرگ و سخنان امام را درباره آن و حمایت بی‌دریغ ملت را در سراسر کشور خوب به یاد دارید، ولی فکر می‌کنید چرا آقای بنی صدر از اولین مخالفان این حرکت بود و از هر وسیله‌ای برای درهم شکستن آن استفاده می‌کرد؟ آیا فکر کرده‌اید که چرا آقای بنی صدر به دانشجویان پیرو خط امام می‌گفت شما از چریک‌های فدایی خطرناک‌تر هستید؟ آیا فکر کرده‌اید که چرا آقای بنی صدر این فرزندان معصوم و دلبر ملت را به خودش روی ایجاد دولت در دولت متهم می‌کرد؟ آیا هرگز فکر کرده‌اید که چرا آقای بنی صدر تمام تلاش خود را برای آزادی گروگان‌های جاسوس به کار می‌برد و امام را در بستر بیماری تحت فشار قرار داده بود که من خودم در این جریان بودم که امام حال صحبت کردن نداشتند و آقای بنی صدر لحظه به لحظه نامه می‌فرستاد که شما اجازه بدهید من سرنوشت این

قضیه را به دست بگیرم و جریان را تماشا کنم و امام چون خود در وضع بد جسمی بودند نمی‌توانستند به این امر رسیدگی کنند، ناچار شدند که این امر را به مجلس شوری اسلامی وگذار کنند. امام هرگز اطمینان نکرد یک جریان ضد آمریکایی را به دست آقای بنی صدر بسپارد. آیا هیچ فکر کرده‌اید که چرا از زمانی که آقای بنی صدر به مقام ریاست جمهوری دست می‌یابند به تدریج شعار مرگ بر آمریکا فراموش شده بود؟ هیچ تاکنون فکر کرده‌اید اگر شما منحنی این شعارهای مرگ بر آمریکا را در ایران از زمان شروع ریاست جمهوری ایشان تعقیب کنید، می‌بینید که دقیقاً آقای بنی صدر در این خط عمل کرده که شعار مرگ بر آمریکا را از زبان‌ها انداخته است، چطور؟ آیا آقای بنی صدر در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها می‌نکرده است که دائماً با طرح مسائل و اختلافات داخلی مساله آمریکا را به فراموشی بسپارد و افکار عمومی را از طرف آمریکا به دشمنانی موهوم برای این جمهوری منحرف کند، کسانی که شما می‌دانید از گروهک‌های چپ‌نما بودند این گروهک‌های چپ‌نما چرا بر اثر سخنرانی‌های آقای بنی صدر ناگهان فریاد مرگ بر آمریکا از حلقوم‌شان بیرون نمی‌آید؟ چطور سخنرانی رئیس جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران که رهبرش دائماً اعلام می‌کند آمریکا دشمن شماره یک ماست و هر چه فریاد دارید سر آمریکا، همه تنگ‌ها به طرف آمریکا، چرا آقای بنی صدر با سیاست مزورانه سعی کرد که این شعار مقدس را از زبان‌ها بیندازد، این عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران نیست...؟

فلذا بنده در همین جا به ملت ایران عرض می‌کنم که این بدعت زشت آقای بنی صدر را کنار بگذارید و در اجتماعات فریاد مرگ بر آمریکا را سر دهید. ملت ایران یقین بدانند که اگر شعار مرگ بر آمریکا را هر روز و در هر کجا و در هر اجتماع‌ی زنده کنند، جریان خط آمریکا ماهیت خود را سریع‌تر آشکار می‌کند و خود را رسوا می‌سازد و باز تکرار می‌کنم که بحث یک فرد نیست، بحث عدم صلاحیت خط آمریکا برای حاکمیت بر جمهوری اسلامی ایران است، زیرا آمریکا دشمن اصلی و دشمن شماره یک این انقلاب است. بحث بر سر عدم کفایت سیاسی رئیس جمهوری است که در متن گزارش به آمریکا خواسته یا ناخواسته قرار گرفته، برای ملت ایران این مهم نیست شروع می‌شود و تا چپ‌های آمریکایی ختم می‌شود و آقای بنی صدر در نوک این خط و نوک پیکان قرار گرفته است. اگر آقای بنی صدر در خط آمریکا قرار نگرفته است، پس این پیام آقای بنی صدر برای امام چیست؟ درست دقت کنید مخالفان محترم، آنها که هنوز هوادار آقای بنی صدر هستند به این پیام چند روز اخیر و برای امام دقت کنید. آقای بنی صدر توسط شخصی که نام او را نمی‌برم از مخفیگاهش برای امام پیام می‌فرستد. (من اسم آن واسطه را فعلاً نمی‌گویم، این مطلب از خود امام است) آقای بنی صدر برای امام پیام می‌فرستد که اگر مجلس رای به عدم کفایت سیاسی من بدهد، صدام به آبادان حمله می‌کند و آبادان را می‌گیرد. عجیب است. چه ارتباطی هست، ملت ایران! نمایندگان مخالف! از ارتباطی هست بین برکناری آقای بنی صدر از ریاست جمهوری و حمله صدام آمریکایی به آبادان؟ واقعا عجیب است! آقایان مخالفان، انصاف دهید آیا رئیس جمهوری که دلسوز به حال کشورش باشد آیا امام و مجلس را با یک حربه صددرصد آمریکایی تهدید می‌کند...؟

آقای بنی صدر قرار گرفت، مساله اشغال لانه جاسوسی بود و اینکه اینها دولت در دولت تأسیس کرده‌اند، خودکامه هستند، خودسر هستند و چه و چه و چه... چرا آقای بنی صدر این کار‌ها را می‌کرده است؟ شما نمایندگان محترم و شما ملت ایران در تلویزیون دیده‌اید فیلم‌های اسنادی که توسط ماشین‌های خبرنگرانده رشته و ریخته شده بود. اینها را دیدید، یک قسمت زیادی هم از اسنادی که پودر شده بود، وقتی ما وارد شدیم، دیدیم که تمام عمرم تاکنون چنین قسمی نخورده‌ام، یعنی هرگز اصلاً قسم نمی‌خورم، ولی به‌خاطر اینکه از نزدیک یک عده دختر و پسر و جوان مسلمان و متعهد را من دیده‌ام و شناخته‌ام، برای دفاع از حیثیت آنها حاضرم این سوگند را بخورم که هرگز دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در لانه جاسوسی در پی این نبودند. نه تنها جعل سند نمی‌کردند، حتی در پی این نبودند که چهره‌هایی را که از نظر سیاسی مخالف آنها هستند، بروند بگردند تا اسنادی در رابطه با این چهره‌ها پیدا کنند، حتی چنین کاری را هم نمی‌کردند. به‌طور طبیعی که با این اسناد برخورد کردند اسناد درهم ریخته شده بود. یک برگ سند به دست یک نفر از آن عده‌ای

محدود که بررسی می‌کردند می‌افتاد و وقتی که یک سند را جمع به یک جریان سیاسی، یا یک فرد پیدا می‌شده ناچار در بین اسناد می‌گشتند، اوراق صفحات بعد را پیدا کنند و لذا بعضی از صفحات هم تاکنون پیدا نشده؛ همین اسنادی که من الان به شما نشان می‌دهم و محتوایش را خواهید دید، همین اسناد، اسناد رشته شده است، یعنی همان رشته‌هایی که شما در تلویزیون دیده‌اید. هر یک چنین صفحه‌ای ۴۰ ساعت کار می‌برد، ۴۰ ساعت، یک جوان مسلمان (شما شاید کنید) چه عشق، ایمان و علاقه‌ای به این انقلاب باید در وجود او باشد تا تن به چنین کاری بدهد...

آقای بنی صدر رئیس جمهور این ملتی که ۱۱ میلیون رای به ایشان دادند در یک مصاحبه با مطبوعات خارجی می‌گوید «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از چریک فدایی بدترند. اینها توده‌ای و کمونیست هستند که به اینجا ریختند، رئیس جمهور از یک چنین حرکت عظیم انقلابی این‌طور یاد می‌کند. اینقدر انقلاب را تخفیف می‌کند. این معنی عدم کفایت سیاسی نیست؟ عدم کفایت سیاسی دو شاخ لازم دارد؟ این اسناد مفصل است و من نمی‌توانم همه‌اش را بخوانم. البته ترجمه‌اش اینجا هست... در این اسناد نشان می‌دهد «شاه» که «آهرن» رئیس ایستگاه سیا در تهران است، این آهرن مصاحبه‌ای مفصل دارد که در آن مصاحبه راجع به بسیاری از چهره‌ها سخن گفته، و اگر یادتان باشد در بررسی اعتبارنامه خسرو قشقایی در همینجا، برادران مان از لانه جاسوسی آن فیلم را آوردند و ظاهرًا کمیسیون تحقیق آن فیلم ملاحظه شده، مطالبی که آهرن درباره آقای خسرو قشقایی آمریکایی گفته است، مجلس پس از آن رای قاطعی که داد، گمان نمی‌کنم که دیگر ملت ایران شک داشته باشد که آقای قشقایی یک مهره آمریکایی بود. وی که قرار است سفارت به ایشان پول بدهد تا روزنامه تأسیس کند، قبل از آنکه به این سند اشاره کنم، هیچ فکر کرده‌اید که چرا وقتی آقای قشقایی دستگیر شد، آقای بنی صدر آن همه تلاش برای آزادی ایشان کرد و سپس تضمین داد که او فرار نکند و با تضمین آقای بنی صدر قشقایی آزاد شد و سپس رفت و مشغول توطئه شد. آقای قشقایی هم در این اسناد توصیه می‌کند به آقای «آهرن» که شما با آقای بنی صدر تماس بگیرید. ممکن است به درد شما بخورد. این چیزهایی که الان برادران ما آورده‌اند تقریباً حدود ۵۰ روز با دو ماه است که فراهم شده است. البته

یک سندش قبلاً، خیلی جلوتر فراهم شده بود که به عرض امام رسید. ایشان فرمودند اینها را محفوظ نگه دارید و فعلاً حرف نزنید. ولی در حال حاضر این مدتی که از جانب امام برداشته شد و اگر امام بنی صدر را برنداشته بودند، باز هم ما وظیفه نداشتیم که ارائه کنیم. در ارتباط با آقای بنی صدر و اینکه ایشان نمی‌تواند یک سیاستمدار شایسته در رئیس جمهور باشد، اینقدر مطلب هست که خودم هم شرم می‌کنم بیش از این وقت



**این متن اصل آن نامه‌ای است که فرستاده و ترجمه شده و از این نامه فقط یک جمله‌اش که در این رابطه است می‌گویم.**

**شخصی به نام ویلیامز چنین نوشته بود: آقای کارتر به دلیل علاقه بسیار به راه‌حلی سریع تمایل داشت در ازای گروگان‌ها، شاه را برگرداند، اما تحت تأثیر برژینسکی و سخنان بنی صدر مبنی بر اینکه ممکن است گروگان‌ها به‌زودی آزاد شوند، کارتر از تصمیم خود صرف‌نظر کرد**

نمایندگان محترم را بگیرم. ولی این را بدانید آقای بنی صدری که در افشای آقایان میناچی و خسرو قشقایی و سایرین آن همه فریاد می‌زد که تعدد مراکز قدرت، و می‌گفت دانشجویان حق ندارند این اسناد را به مردم ارائه دهند، باید به دستگاه‌های مسئول بدهند، آنها اگر صلاح دانستند روی این اسناد اقدام کنند، خود این آقای بنی صدری که اینچنین فریاد از امنیت قضایی می‌زد به خود بنده در لانه جاسوسی دو بار گفت، فلان شخص (یکی از شخصیت‌های مملکتی را می‌گفت که همه او را می‌شناسید) می‌گفت این شخص با این سفارت رابطه داشته است و شما سعی کنید سند آن را پیدا کنید...!

آقایان! مساله... مساله اساس انقلاب است، نه اختلاف بین دو جناح سیاسی و لذا من از همینجا به دولت و به مسئولان اعلام می‌کنم که شما بدانید امروز تنها مساله رای به عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر نیست، امروز رای به شکست خط آمریکاست. حواس‌تان جمع باشد دولت، اگر همین مجلس (البته اشتباهات‌تان را می‌بخشد) احساس کند که دارید به سمت خط آمریکا حرکت می‌کنید و تذکر می‌دهد و گوش نمی‌کنید، بدانید که شما هم چنین سرنوشتی در همین مجلس خواهید داشت، (نمایندگان! احسن!) مجلس شورای اسلامی بداند همان‌گونه که امام به آقای بنی صدر توصیه کرد، مجلس بداند که این ملت شدیداً ضد آمریکاست و اگر احساس کند که این مجلس خدای نخواسته یک روزی تمایل به خط آمریکا نشان داده است، همین مردم خواهند ریخت و این مجلس را نابود خواهند کرد. والسلام